

دانشگاه و جامعه

نوید مینایی

این بحث مقدمه ایی ست برای ورود به بررسی عملکرد و وضعیت "جنبش دانشجویی" و اینکه برای پیشبرد مبارزات دانشجویی چه باید کرد. این بحث باید با دخالت سایر دوستان تدقیق و پیش برده شود.

وضعیت عمومی اعتراضات در جامعه

جمهوری اسلامی دولت احمدی نژاد را به منظور سرکوب اعتراضات مردمی انتخاب کرد. بعد از شکست پروژه اصلاحات تنها آلترناتیو حکومت برای بقا، سرکوب عریان جامعه بود. کارگران، معلمان، پرستاران، زنان و دانشجویان به عنوان بخش های معترض جامعه که روز به روز بر وسعت اعتراضاتشان افزوده می شد بایست به شیوه های دهه ۶۰ سرکوب می شدند. انتخابات دولت نهم با زمزمه های "صدای پای فاشیسم" همراه بود. طیف اصلاح طلب با شیوع این زمزمه می خواست مردم را از رای دادن به احمدی نژاد منصرف کند، گویا انتخاب احمدی نژاد به عنوان تیر آخر حکومت به رای مردم صورت می گرفت. "تیر خلاص زن"، "یکی از متهمین گروگان گیری سفارت امریکا" و ... القاب دهان پر کنی برای احمد نژاد بودند که همگی از پرونده سنگین سرکوبگری های احمدی نژاد خبر می دادند. جمهوری اسلامی هم از این القاب بدش نمی آمد و برای سرکوب و بگیر ببند و باز گرداندن سال های ۶۰ به چنین موجودی نیاز داشت. حکومت اسلامی توهمی به کنار آمدن جامعه با حکومت ندارد و سیاست سرکوب را رسماً با انتخاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری و حمایت صریح خامنه ایی از آن اعلام کرد.

اما شروع به کار دولت جدید با شورش های گسترده کردستان در جریان اعتراض به قتل شوانه شروع شد. دامنه اعتراضات و شورش ها به قدری زیاد بود که در همان روزهای اول دولت احمدی نژاد، ایجاد حکومت نظامی در شهرهای کردستان لازم آمد. این اتفاقات تازه استقبال از احمدی نژاد بود و تنها به استقبال هم محدود نماند. شورش های آذربایجان هم که درست یک سال از آن می گذرد، واقعه دیگری بود که جمهوری اسلامی را لرزاند. اعتراضات و اعتصابات کارگری که هر روزه گسترده تر می شوند و به شهادت آمار دولتی چندین هزار در سال است بحران های دیگری هستند که دولت احمدی نژاد با آن ها دست به گریبان است. به این مجموعه باید اعتراضات معلمین را نیز افزود. و همه این اعتراضات گواه شکست سیاست های سرکوبگرانه دولت جدید است.

اگر سیاست تساهل و تصامح جمهوری اسلامی با دولت خاتمی توانست کارگران خاتون آباد را به گلوله ببندد و در ۱۸ تیر دانشجویان را از طبقه سوم به پائین پرتاب کند و نویسندگان را در قتل های زنجیره ایی ساکت کند، دولت سرکوبش با احمدی نژاد برای ساکت کردن دانشجویان باید لوگوی نشریاتشان را جعل کند و در سناریوهای مسخره به دنبال بهانه برای سرکوب بگردد. اگر دانشجویان خاتمی را در دانشگاه تهران در ۱۶ آذر فقط هو کردند، احمدی نژاد را با شعار "فاشیست برو گم شو" و آتش زدن عکس هایش از دانشگاه با خفت و خواری بیرون انداختند. اعتراضات دم به دم گسترش یافته تر در جامعه که به هیچ وجه توهمی به حکومت و خیال سازش هم ندارند، رهبران سازشکار را کنار می گذارند و هر روز رادیکال تر می شوند که نمونه هایش را در اول می امسال و اعتراضات دانشجویی دیدیم، مهم ترین شاخص جامعه ایران هستند.

در دانشگاه ها چه می گذرد؟

دانشگاه ها همیشه عرصه پیشبرد بحث مهمی از اعتراضات به حکومت های دیکتاتوری هستند. در این نوع حکومت ها به دلیل در دسترس جامعه بودن و روابط عمومی قوی دانشگاه ها و همچنین محبوبیت محیط های دانشگاهی، سرکوب این بخش از جامعه همواره سخت بوده است. هیچ حکومتی نمی تواند ادعا نکند "جوانان و دانشجویان آینده سازان و چشم و چراغ جامعه هستند!!" و درست به همین دلیل شیوه های سرکوبی که حکومت ها برای کارگران به کار می برند برای دانشگاه ها عیناً کارساز نیست یا کاربرد آن بسیار مشکل خواهد بود.

اما در دانشگاه های ایران اعتراضاتی که به نام "جنبش دانشجویی" در جریان است، اساسا با جنبش دانشجویی که مثلا در اروپا در جریان است متفاوت است. آن بخش از جنبش اعتراضی جاری در جامعه که به نام "جنبش دانشجویی" در دانشگاه های ایران در جریان است دارای فاکتورهای مشترک زیادی با سایر اعتراضات جاری در جامعه است. "زنده باد آزادی و برابری" اولین بار و بیشترین بار در دانشگاه ها مطرح شده است. داشتن نهاد های مستقل دانشجویی، نشریات آزاد دانشجویی که اساسا در نقد سیاست های دولت و مذهب منتشر می شوند، لغو جداسازی جنسیتی، اتحاد با جنبش کارگری و سایر شعارهایی که خصلت نمای جنبش دانشجویی هستند، مصارف صرفا صنفی و دانشجویی ندارند، این ها مطالبات همه بخش های معترض جامعه هستند، کارگران و معلمان برای داشتن نهاد های مستقل از دولت مبارزه می کنند. زنان برای لغو آپارتاید جنسیتی مبارزه می کنند. "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" که در اعتراضات معلمان مطرح شد همان شعار "آزادی و برابری" به زبان دیگر است.

دانشگاه ها عرصه مهمی برای مبارزه با جمهوری اسلامی هستند. اعتراضات فزاینده ایی که در دانشگاه ها در جریان است و درجه بالای رادیکالیسم این مبارزات همواره برای حکومت دردسر ساز بوده اند. در دوره اصلاحات امید حکومت به نهاد های دست سازی مثل انجمن های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت که اساسا برای پیوند حوزه و دانشگاه طراحی و ساخته شده بود، قرار بود انجمن های اسلامی شاخه دانشجویی سیاست اصلاحات باشد، هنوز هم تلاش بخشی از حکومت و امیدش اینست که با همان ابزار قدیمی که امروز دیگر تغییرات اساسی کرده بتواند اعتراضات دانشجویی را از پیوستن به جنبش سرنگونی حفظ کند. ولی به قول نشریات جعل شده دانشجویی دانشگاه پلی تکنیک "دانشجو + معلم + کارگر = برانداز". اعتراضات دانشجویی کاملا از هرگونه کنترل و مهار زدن توسط دو خردادی ها خارج شده و به گواه مراسم ۱۶ آذر امسال کاملا اتورپته سوسیالیسم و چپ بر آن ثابت شده است.

شاهد اینکه سیاست های جمهوری اسلامی برای سرکوب اعتراضات شکست خورده است اعتراض دانشجویان به ریاست عمید زنجان بود که ظاهرا اعتراضات موفقیت آمیزی نبودند. ولی باید دید انتخاب یک آخوند به ریاست مهم ترین دانشگاه کشور به چه منظوری بوده؟ منظور این بوده که از روند رشد ضدیت با دین در دانشگاه ها جلو گیری کنند، ولی نتیجه این شده که نه تنها سکولاریسم که مارکسیسم و سوسیالیسم از سرو کول دانشگاه ها بالا می رود. و این یعنی شکست انتخاب آخوند به ریاست دانشگاه و موفقیت اعتراضات دانشجویی. سرکوب دو سر دارد، یکی سرکوبگر و دیگری جامعه ایی که سرکوب می شود. اینکه جمهوری اسلامی سرکوب می کند و هنوز نیروهای مسلح و کمیته های انضباطی در دانشگاه را برای این امر در اختیار دارد شکی نیست، ولی جامعه سرکوب شده هم باید از اعتراضاتش منصرف شود و مرعوب سرکوب و سرکوبگر بشود تا بتوان گفت سیاست سرکوب موفق بوده است. ولی این شاخص جامعه امروز ایران نیست، گسترش اعتراضات و رادیکال شدن آنها معنیش شکست سیاست سرکوب است.

۱۶ آذر امسال برای جمهوری اسلامی بسیار گران تمام شد، دانشجویان به نمایندگی از کل جامعه تمام رشته هایش را پنبه کردند. ژست "فاشیست" علیرغم اسم دولت مهرورزی برای حکومت کارآمد تر است ولی این ژست در ۲۰ آذر سال گذشته کاملا به هم ریخت و امروز برای انتقام و بازگرداندن همان ژست در دانشگاه ها اقدام به سرکوب دانشجویان معترض کرده است. حمله به دانشجویان شرکت کننده در مراسم ۱۶ آذر امسال از فعالین دانشگاه مازندران شروع شد که با اعتراضات و حمایت های وسیع دانشجویی در سراسر کشور مواجه شد و مسئولین امنیتی مجبور شدند علیرغم شاخ و شانه کشیدن هایشان برای دانشجویان فورا آنها را آزاد کنند. دانشجویان شیراز هم در اعتراضات گسترده و متحدانه ایی توانستند پروژه سرکوب دانشجویی به بهانه حجاب را عقب بزنند و رئیس دانشگاه را مجبور کنند حرفش را پس بگیرد. دانشجویان لرستان هم در اعتراضاتی که با سرکوب بسیج مواجه شد به این محدودسازی ها اعتراض و مقابله کردند.

دانشگاه پلی تکنیک به خاطر موقعیت ویژه ایی که دارد، به خاطر استقبالی که در ۲۰ آذر از احمدی نژاد به عنوان فرمانده لشکر سرکوبگر داشت مورد تهاجمات وسیعتری قرار گرفته است. تا کنون ۷ نفر از دانشجویان این دانشگاه را طی سناریوهای ساختگی دستگیر کرده اند و تعداد خیلی بیشتری را به کمیته های انضباطی احضار

کرده اند. برای دستگیر شدگان طرح های همیشگی جمهوری اسلامی را خواب دیده اند، اعترافات تلویزیونی به معاند بودن و طلب مغفرت کردن و برای احضار شدگان مشکلات تحصیلی ایجاد کردن تا اخراج همه فعالین دانشجویی از جمله سناریو هایی است که جمهوری اسلامی برای مقابله با دانشجویان در سر می پرورد.

تا همین جا هم مثل طرح مقابله با بد حجابی وحشت خود رژیم را از گسترش اعتراضاتی که شعله هایش را در اراک و اصفهان و مشهد شاهد بوده ایم فرا گرفته است. در طرح حجاب قوه قضائیه و دولت به جان هم افتادند و در دانشگاه هم همین طور، مجلس به دولت تذکر می دهد سناریوی جعل لوگو که فقط از دست اوپاش-دلقک های بسیجی بر می آید مسخره تر از آنیست که کسی باور کند. ولی احمدی نژاد می خواهد وجه سرکوبگرانه اش را ثابت کند. رهایی رئیس دانشگاه پلی تکنیک از ترس دانشجویان کلاس های درسش را در بیرون از دانشگاه در حصار امنیتی کامل برگزار میکند و برای فرار از دست دانشجویان از پنجره کلاس ها رفت و آمد می کند!

چه باید کرد؟

امروز بیش از هر زمانی به همه ثابت شده است برای مقابله با سرکوب و همزمان پیشبرد اعتراضات و عقب زدن حکومت اسلامی تنها راه، گسترش اعتراضات، یکپارچگی و عمل هماهنگ میان دانشجویان سراسر کشور است. تجربه دانشگاه مازندران و عقب نشینی و شکست سریع قاطع ترین بخش حکومت یعنی بخش امنیتی در مقابل اتحاد عمل سراسری دانشجویان، اعتراضات پیگیر و هماهنگ دانشجویان شیراز و عقب نشینی رئیس این دانشگاه و پس گرفتن دستورالعمل های اسلامی ناظر بر روابط و حجاب دانشجویان و نمونه های دیگر پیروزی های دانشجویان و در اعتراضات کارگری هم که با همین فاکتور همبستگی، پیگیری و رادیکال بودن همراه بوده اند راه را برای ادامه مبارزه نشان می دهد.

امروز باید برای رسیدن به اهداف مشخص تمرکز کرد و اتحاد سراسری حول این اهداف ایجاد کرد. کمیته های انضباطی اهرم کارآمد حکومت برای سرکوب، تهدید و دور کردن فعالین دانشجویی از محیط شان است امروز با توجه به تجربیات بالا باید رفت پای پروژه برچیدن بساط کمیته های انضباطی از دانشگاه ها. این امر مستلزم اتحاد و هماهنگی وسیعی میان دانشجویان است که امروز با توجه به گستردگی روابط دانشجویی کاملاً شدنی است و باید رفت و آن را سازمان داد. فعالین سیاسی مختلفی باید در این امر شریک باشند و از اهرم تعطیل کردن دانشگاه ها، اعتراضات گسترده و هماهنگ در چندین دانشگاه در شهر های مختلف و سایر اقدامات عملی باید استفاده کرد.

این پروژه می تواند علاوه بر تلاش برای برداشتن تهدید کمیته های انضباطی از سر دانشجویان ثمرات جانبی بسیار مهمی برای دانشجویان به همراه داشته باشد، موفقیت این طرح در برچیدن کمیته های انضباطی خلاصه نمی شود. ایجاد شبکه های گسترده و کمیته های دانشجویی که دارای اتوریته توانایی هماهنگ سازی بدنه دانشجویی را دارند از اولین ثمراتی است که چنین طرحی به دنبال دارد که جنبش دانشجویی به زودی و در واقع همین امروز هم نیاز مبرمی به چنین کیفیتی دارد.

به نظر من این طرح با توجه به دست آورد های فوری و بلند مدتش باید به یکی از مهمترین بحث های دانشجویان تبدیل شود و این نوشته مقدمه ای برای ورود به این بحث است.